

بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت

(قسمت دهم)

ملکه سوم دکتر عباس میلانی!

عامل خارجی ۲

امیرفیض - حقوقدان

قبل از آنکه تحریرعامل خارجی درشورش ۵۷ ادامه یابد، یک بدهکاری از بحث بی تفاوتی که اعلیحضرت بعنوان گلایه اظهارداشتند باقی است که اکنون در این تحریر به پرداخت آن اقدام میشود.

دیروز که برای پیدا کردن مطلبی به سنگرها رجوع کردم با موضوعی روبرو شدم که دقیقاً میتواند پاسخ گلایه و شکوه اعلیحضرت را نسبت به بی تفاوتی ایرانیان به مبارزه بازگو کند.

گواهی اسناد مبارزه

اسناد مبارزه سیاسی ایرانیان خارج از کشور نشان میدهد که از اوائل سال ۱۳۸۳ جبهه انتخابی مبارزه ایرانیان، فراندم برای تعیین نوع رژیم و قانون اساسی بود. سیرتحوالات و جبهه های مختلفی که در شاهراه فراندم برای تعیین رژیم تشکیل شده مورد استفاده این تحریر نیست که موضوع مفصلی است و کمکی هم برای این تحریر نمیشود، ولی موضع اعلیحضرت و بیانیه هایشان از اسناد مسلم اعتبار بخشیدن به این تحریر و نتیجه آن میباشد.

واما بعد

همانطور که استحضار دارید در جنبش فراندم دادکام ۶۰ میلیونی اعلیحضرت و علیاحضرت و شادروان والاحضرت علیرضا پهلوی مشارکت و آنرا امضا کرده بودند؛ یعنی درحقیقت قطب اعتباری آن فعالیت، حداقل از سوی سلطنت طلبان حضور آن شخصیتها بود.

اعلیحضرت تقریباً تمام اعتبار سیاسی خودشان را در مسیر اجرای موفقیت آمیز آن همه پرسسی مصرف فرمودند، در بند دوم بیانیه ۱۸ دیماه همان سال ایشان که بمناسبت همه پرسسی ایراد فرمودند آمده است:

سرانجام آفتاب آزادی و حقوق بشر بار دیگر در آسمان مبارزات مردم ایران درخشیدن گرفت و فراندم بعنوان اصل راهنمایی یک مبارزه ملی از سوی جمعی از هم میهنان داخل کشور پذیرفته و اعلام شده. وظیفه هر ایرانی آزاده و وطن دوست است که در این مسیر با تمام توان به یاری مبارزان آزادیخواه بشتابد.

در مصاحبه رادیو فردا در راه تجلیل از برنامه فراندم و دست اندرکاران آن چنین فرمودند:

در عرض ۲۵ سال تابه امروز به این شکلی که اکنون نمایان شده آلترناتیو ملموس و منطقی و باور پذیر از دید جهانیان در ارتباط با تحولات کشور ما نبوده است یادتان باشد که آنها (تهیه کنندگان فراخوان) در ایران هستند نه در لوس آنجلس و امکان اینکه سرشان را از دست بدهند هم وجود دارد <

اشاره به تلاشها و کوششهای اعلیحضرت برای حمایت از فراندن بسیار مفصل است که در چندین سنگرمعکس میباشد و حتی آنقدر امید وار بودند که فرمودند: <تصور نمیکنم که جمهوری اسلامی بتواند در مقابل فراندن دات کام مقاومت کند>^۱

مدیر روزنامه صبح ایران که همواره عرق در توهم است نوشت جمهوری اسلامی مشغول تمیز کردن و رنگ کردن خیابانها برای انجام همه پرسی است.

نتیجه گیری

آیا کسی دانست که چرا آن برنامه، بکل متوقف شد و حتی سازمان های جنبی هم که مستقلا برنامه همه پرسی را برای تعیین نوع نظام پیگیری میکردند به لاک سکوت فرو رفتند؟

آیا کسی فهمید که چطور شد تا آفتاب آزادی که پس از ۲۵ سال با فراندن طلوع کرده بود! یکباره غروب کرد؟

آیا اعلیحضرت که تحت عنوان یک فرد عادی نخستین و با اعتماد ترین پایگاه فعالیت دات کام بودند نباید بایک بیانیه و یا آگهی مستقیم و یا مع الواسطه علت توقف آن برنامه را اعلام میفرمودند؟

این است دلیل بی تفاوتی مردم؛ و اینها سند است که گلابه اعلیحضرت را به خودشان برگشت میدهد. اینهاست که کمان اعلیحضرت را در تیراندازی به کمان پوسیده بی اعتمادی تبدیل کرده و میکند اینهاست که کمان تیراندازی خیالی اعلیحضرت را شکل داده است و تصور میکنند که تیراندازی فرموده اند.

اگر کسی مردم را به سرمایه گذاری در کاری دعوت کند و اعتماد و اعتبار خود را هم صرف تشویق مردم در مشارکت در سرمایه گذاری بنماید و مردم هم به قدر ممکن سرمایه گذاری کردند و بعد آن فعالیت بدون آنکه

۱ - میتکران طرح ۶۰ میلیون دات کام خانم مهرانگیز کار، و آقایان محسن سازگارا، محمد ملکی رئیس پیشین دانشگاه تهران در اوایل شورش اسلامی، ناصر زرفشان، اکبر عطری، رضا دلبری و عبدالله مومنی، فعالان جنبش های دانشجویی هستند. محسن سازگارا در مصاحبه با رادیو فردا می گوید www.60000000.com از طریق بعضی کانال ها فیلتر شده. این طرح در سال ۱۳۸۴ مطرح شد. در پاسخ پرسش چرا نام کمیته همه پرسی برای فراندن را کنار می گذارند. چه ضرورتی باعث شد این تصمیم را بگیرند؟ محسن سازگارا گفته بود به دلیل این که امضاکنندگان اولیه نمی خواهند مطرح باشد که تافته جدا بافته می دانند خودشان را از بقیه، به خصوص به دلیل استقبالی که در داخل و خارج کشور فعالین سیاسی کردند. همه طراح های طرح در خدمت رژیم اسلامی بودند، باز کجی بود که به مقصد نرسید. در سال ۱۳۸۸ محمد خاتمی پیشنهاد کرد فراندن مشروعیت نظام در درون رژیم اسلامی برگزار بشود. نگاهی کوتاه به روند فراندن.

۱- فراندنوم سال ۵۸؛ آری مردم به جمهوری اسلامی

۲- فراندنوم قانون اساسی

۳- فراندنوم، راه برون رفت از بن بست پیشنهاد بنی صدر ۱۳۶۰

۴- سید محمد رضا خاتمی اگر (لواح دوگانه) رد شود، فراندن میکنیم.

۵- برای اجرای هدفمندی یارانه ها فراندنوم برگزار کنیم- احمدی نژاد

۶- پیشنهاد محمد خاتمی در سال ۱۳۸۸

۷- «محمدتقی کروبی» (پسر مهدی کروبی) در رابطه با مشروعیت مجلس و بحساب آوردن مردم.

البته فراندن بدون مجوز و بی رویه و خارج از قاعده محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ و بستن مجلس را هرگز فراموش نمی کنیم. ح-ک

گزارشی ویا توضیحی به مردم بدهد خود را از فعالیت کنارکشید آیا مردم به فعالیت های مشابه و دعوت های تکراری آن شخص اعتباری میدهند ویا حداقل اگر نفرین نکنند بی تفاوت میشوند؟

دلیل بی تفاوتی مردم به مبارزه اینهاست، که ۳۶ سال است هاله های شوم آن بر مبارزه بحق ایرانیان سایه انداخته است. نگاه به جریان سوگند وفاداری اعلیحضرت به سلطنت و قانون اساسی و تداوم اجرائی آن و مسیرهای انحرافی و تموجات ناامید کننده آن هرائسانی را متوجه میسازد که بقول اعلیحضرت **«یک جای کارمیلنگد»** این لنگی که بحق، درد مبارزه ازسوی اعلیحضرت شناخته شده عامل وبانی آن کیست جز شخص اعلیحضرت.

یک بقال سرکوچه وقتی شغلش را عوض میکند ویا جای مغازه اش را تغییر میدهد به مشتریانش علت را میگوید با آنکه الزامی هم ندارد ولی رشته اعتباری و اعتمادی این تکالیف را عمومی ساخته است.

رفتاری که درکمال تاسف با مبارزین، معمول شده و میشود بسیار شبیه رفتارچوپان با گوسفندان است و همانطور که چوپان لازم نمی بیند که به گوسفندان بگوید، تغییر چراگاه بعلت جوان بودن علوفه است یا خطرات؛ اعلیحضرت هم لازم میدانند که تغییر موضع مبارزه و علت آنرا به مبارزین بفرمایند.

تنها مورد فراندم و تبدیل آن به شورای تجزیه طلبان نیست در طول ۳۶ سال مبارزه بارها ترمبارزه و فعالیت اعلیحضرت تغییر شکل داده، یکبار هم نشده که دلیل تغییر کیفیت و هدف مبارزه بیان شود ویا دیگرانی ازسوی ایشان رفع ابهام بنمایند.

از باب نمونه هنگامیکه اعلیحضرت تز امروز فقط اتحاد را ارائه فرمودند ظرف دوماه طبق اظهار خودشان ۳،۲۰۰،۰۰۰ پیام روی سایت ایشان آمده است. (سخنرانی اعلیحضرت در انجمن ملی آمریکا)

آیا این سه میلیون و دویست هزارتن نباید بفهمند که چه شد که از تزامروز فقط اتحاد، یکدفعه وبدون خبر آن فعالیت متوقف و تزر فراندم دات کام براه افتاد؟ آیا ایرانیان نباید بفهمند که چرا فعالیت داتکام متوقف و جای آنرا شورای تجزیه ایران گرفته است؟ و چرا هدف فراندم برای تعیین رژیم کشور به شرکت در انتخابات که ایجاد مشروعیت برای جمهوری اسلامی است بعلاوه تجزیه کشور تغییر یافته است؟^۲

آخرین فراندم برای تعیین رژیم و تجزیه کشور، کدام تقارن موضوعی و حقوقی وجود دارد که ترغیب و زمینه سازی فدراتیو کردن کشور جایگزین فراندم برای تعیین نوع رژیم شده است.

اکنون که گفته میشود، مسدود ساختن برنامه فراندم و افتتاح شورا برای برقرار ساختن ماده ۱۱ و تجزیه کشور بوده و هست چه اعتباری برای فعالیت های اعلیحضرت بعنوان رئیس شورای تجزیه طلبان باقی میماند؟ آیا اتهام مصدریت این تحول، متوجه اعلیحضرت که در هر دو جریان شاخص و مشوق بوده اند نمیشود؟

^۲ - تنها نکته ای که به گمان می آید، عدم حضور «سیاست کلی» و عدم پایداری و وفاداری به سوگند و قانون اساسی که نشاندهنده راه است میباشد. اگر همواره این راه سنتی و تاریخی دنبال میشد هرگز نفوذ هر کسی از راه رسید مسیر و وظیفه قانونی و تاریخی اعلیحضرت را منحرف نمی کرد. ح-ک

اینهاست که ابزار فریب، یک کار سیاسی مهم را شکل میدهد و نتیجه آن بی تفاوتی مردم میگردد. چند بار میشود به مردم گفت: **<این راه نجات ایران است>** و مسیر تغییر کند، طبیعت مردم بی اعتنائی به آن گفته هاست که باعمل و حقیقت توام نیست. درست داستان معروف چوپان دروغگو که مصداق مشابه است.

مشکل آنجا سخت و غیر قابل قبول و تحمل میشود که یک وقت رهبر مبارزه یک آخوند مدعی مرجعیت تقلید است که حق خودش میداند که حکم دهد و دلیل هم ندهد.

ولی یک وقت کسی است که خط قرمز مبارزه خود را با مردم بودن، شفاف بودن و دوری از پنهان کاری اعلام میفرمایند و خواستار دخالت مردم در مبارزه و نقد مسائل و رفع ابهام و پرسش مسائل از شخص خودشان است؛ اینها که بسیار ظریف و التیام بخش است در عمل، درد احساسی مردم را به زخم خوره تبدیل میکند.

چند روز قبل برای موضوعی فکسی به دبیرخانه فرستادم نشد که نشد تلفن کردم دیدم مثل اینکه تلفن به خانه ارواح وصل است. آخر نام این چیست؟ رفتار معمول و معقول و روابط عمومی است یا بی اعتنائی به مردم. انسان در مقابل این بی اعتنائی ها از خودش خجالت میکشد و بطور طبیعی این بیت را زمزمه میکند و از خیر تماس و موضوع میگذرد.

گرتوشکیب داری طاقت نماند مارا

مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا